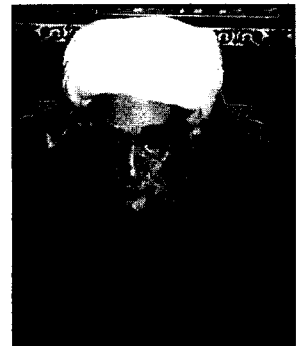


در گذشتگان

آیت الله صافی



فقیه معظم، مرجع بزرگوار حضرت آیت الله العظمی آقای حاج شیخ علی صافی گلپایگانی - طاب ثراه - یکی از شخصیت های درخشان عالم علم و فقهت به شمار می آمد. (۱۲۹۲ ش).

فقید سعید در سال ۱۳۳۲ ق (۱۲۹۲ ش)، در گلپایگان، در بیت علم و فقهت زاده شد. پدرش فقیه نام آور حضرت آیت الله آخوند ملامحمد جواد صافی (۱۲۸۷ - ۱۳۷۸ ق)، از شاگردان آیات عظام: حاج آقانور الله اصفهانی، آقاجفی اصفهانی، شیخ محمدعلی ثقة الاسلام، میرزا محمد هاشم چهارسوقی و جهانگیرخان قشقایی و از همدرسان آیت الله العظمی بروجردی و آیت الله

العظمی سید ابوالحسن اصفهانی و صاحب آثار متعدد فقهی، اصولی، تاریخی، حدیثی، کلامی و ادبی است که شرح آن در این مختصر نمی گنجد (ر. ک به: ناصرالدین انصاری؛ اختران فقهت؛ ج ۲، ص ۲۰۷-۲۲۲).

معظم له، پس از رشد و دوران نوجوانی، ادبیات و مقدمات را نزد والد بزرگوار و دایی اش آخوند ملا ابوالقاسم قطب آموخت و در ۱۳۴۹ ق رهسپار حوزه علمیه قم شد و سطوح عالی را نزد مرحوم علامه میرزا محمد همدانی فراگرفت و پس از آن به درس آیات عظام: حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (حدود ۳ سال)، سید محمد حجت کوهکمری (فقه) و سید محمد تقی خوانساری (اصول) حاضر شد و در آن مجالس پربار علمی خوش درخشید و توانایی علمی اش جلوه گر شد. پس از آمدن آیت الله العظمی بروجردی به قم (۱۳۶۴ ق/ ۱۳۲۴ ش)، به مدت شانزده سال در درس فقه و اصول ایشان شرکت جست و مشار بالبنان و بحاث درس معظم له و جزو اصحاب استفتای ایشان گردید که مرحوم استاد، همواره به دیدگاه های وی در درس و جلسات استفتا کمال توجه را داشت.

آیت الله بروجردی، به ایشان و برادر گرامی اش آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی، چنان توجه ویژه ای داشت که حل برخی از مشکلات علمی و پاسخگویی و تحقیق بعضی از استفتائات را به ایشان و انهاد و این لطف و عنایت معظم له تا کنون زبانزد علمای حوزه علمیه قم است. آیت الله بهجت درباره ایشان فرموده بود: «ما از همان زمان آیت الله بروجردی ایشان را به فقهت می شناختیم. او در آن زمان خود را نشان داد» و همین باعث شد تا مرحوم آیت الله بهجت، احتیاطات خویش را به ایشان ارجاع دهد و وصیت کرد نماز بر پیکرش را - در صورت امکان - ایشان بخواند (که به علت پیری و کهولت سن، میسر نشد) و کلیه اموال و وجوهات شرعی در اختیار معظم له قرار گیرد.

آن مرحوم، با کوله باری از علم و دانش و فقهت و زهد و تقوا، اسوه عمل بود. تحصیل، تدریس و تألیف، او را از خدمات دینی و اجتماعی باز نداشت. از او ان جوانی برای هدایت مردم به گلپایگان سفر می کرد و با اقامه جماعت و منبر و تفسیر قرآن، نسلی مؤمن و متدین در آن شهرستان تربیت نمود. از دوران سیاه و تاریک رضاخان به

مبارزه با رژیم پهلوی پرداخت و علیه توطئه ننگین کشف حجاب و دین زدایی رضاخان منبرهای متعدد رفت (در اسناد شهربانی - گلپایگان - به این مطلب اشاره شده و در مجموعه اسناد کشف حجاب به چاپ رسیده است). او روح دلیری و شجاعت و حق گویی را از پدر و الامقامش به ارث برده بود؛ لذا در مقابل تمام کژی‌ها و ناراستی‌ها می‌ایستاد، امر به معروف و نهی از منکر می‌کرد و همواره با عوامل رژیم پهلوی در گلپایگان درگیر بود و آن شهر به خاطر وجود او و برادر بزرگوارش از توطئه‌های رژیم ستمشاهی برکنار بود و عمال استبداد نتوانستند در این شهر نقشه‌های شوم خویش را به اجرا گذارند. او در مسجد خویش، فریاد می‌زد و مردم را به معروف فرامی‌خواند و از بدی‌ها باز می‌داشت و در همین راستا در سال ۱۳۵۶ ش دستگیر و زندانی و تبعید شد و در دوران انقلاب اسلامی نیز در همراهی با امام، از هیچ کوششی دریغ نکرد و در زمان اقامت امام در فرانسه - نوفل لوشاتو - به نمایندگی از سوی آیت‌الله العظمی گلپایگانی به دیدار امام شتافت و مراتب علاقه و ارادت خود را به ایشان نمایاند.

او در قوه فقهی، ادبی و تاریخی زبانزد حوزه‌های علمیه بود. در میان مراجع تقلید معاصر، کسی به پایه او در قصیده و غزل سرایی نمی‌رسید و اغلب اشعارش در مدح ائمه معصومین علیهم السلام و به ویژه حضرت بقیة الله الاعظم (عج) بود که کتاب در انتظار وصال، مجموعه ۵۹ قصیده و مخمس و غزل به یاد امام زمان علیه السلام یکی از آثار ادبی اوست. او در عشق به ساحت مقدس امام مظلومان و سید شهیدان ابی عبدالله الحسین علیه السلام می‌سوخت و

می‌گذاخت و سالیان فراوان، در منزلش - شب‌های پنجشنبه - اقامه‌عزای نمود و به ویژه از تحریفات تاریخ عاشورا برمی‌آشفته و از جایگاه یک فقیه درآشنا و مسئول، پیوسته و تا حد امکان و توان با آن مجاهده می‌نمود. او فقیهی در صحنه تلاش و علم و اجتهاد و آمر به معروف و ناهی از منکر بود که در حدود یک قرن عمر بابرکت خویش، با مواظب حسنه و اخلاق خوش و دانش فراوان خود، همگان را به راه راست هدایت نمود.

برادر بزرگوارش آیت‌الله العظمی حاج شیخ لطف‌الله صافی می‌نویسد: «ایشان نزدیک به یک قرن در خدمت به اسلام، تلاش در اعلائی کلمه دین، امر به معروف و نهی از منکر و در یک کلمه، جامع نوکری خالص به آقايش حضرت بقیة الله مولانا المهدي - ارواح العالمين له الفداء - انجام وظیفه نمود. او در ذوق و ادب و فضایل مختلف و مخصوصاً تفسیر قرآن مجید و همه مقاماتی که شایسته چنان فقیهی باشد، تبحر داشت و تا پایان عمر شریفش از منبر و محراب برای هدایت مردم استفاده برد؛ همچنین در اصلاح امور و مبارزه با حرکت ضداسلامی مقامات رضاخانی، مواضع محکم و کم نظیر داشت. شجاعت و صراحت لهجه و بی‌باکی از غیرخدا و زهد و قناعت و بی‌اعتنایی به زخارف دنیوی و استقامت در امر دین در تاریخ زندگانی این فقیه فرزانه، همه دانستی و عبرت و درس است. همه جا خدا را بر خلق برگزید و رضای احدی را بر رضای او مقدم نداشت و هیچ‌گاه از گفتن حق، ترس و واهمه‌ای به خود راه نمی‌داد؛ حتی بزرگان را موعظه و نصیحت می‌کرد و آنان نیز تذکرات او را مغتنم می‌شمردند. الحق فقیدان چنین

شخصیتی، ثلمه‌ای بزرگ برای فقاہت، مرجعیت و حوزه‌های علمیه است».

وی، بدون حاجب و نگهبان، در خانه‌اش به روی همگان باز بود و با چهره‌ای باز و گشاده، مردم شهر و روستا را می‌پذیرفت و با شور و احساسی مردم دوستانه، به دعاوی مردم رسیدگی می‌کرد و در موارد بسیار، خود از حاضران پذیرایی می‌نمود و در مقابل همگان برمی‌خاست و با احترام برخورد می‌کرد. تواضع و فروتنی، زهد و قناعت، صراحت لهجه و رک‌گویی، صداقت و صراحت توأم با شجاعت از ویژگی‌هایش بود. طاب الله ثراه و جعل الجنة مثواه.

آثار آن فقیه بزرگ عبارتند از:

الف) آثار چاپی

۱. ذخیره العقبی - شرح عروة الوثقی (۳۰ جلد، ۱۱ جلد چاپ شده «باب طهارت»)
۲. تبیان الصلاة - تقریرات بحث صلاة آیت‌الله بروجردی (۸ جلد)؛
۳. المحجة فی تقریرات الحجة - تقریرات بحث اصول آیت‌الله حجت (۲ جلد)؛
۴. الدلالة الی من له الولاية - در بحث ولایت فقیه؛
۵. راز دل (دیوان اشعار)؛
۶. در انتظار وصال (مجموعه اشعار ایشان درباره امام زمان)؛
۷. توضیح المسائل؛
۸. منتخب الاحکام؛
۹. مناسک حج؛
۱۰. تاریخ تحول فقه شیعه (ترجمه و مقدمه محمدحسن توکل)؛
۱۱. المجدی - تقریرات درس وصیت آیت‌الله بروجردی.

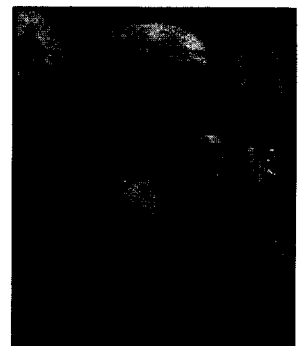


ب) آثار غیر چاپی

۱۲. تقریرات درس فقه آیت الله بروجردی (ارث و غیر آن)؛
 ۱۳. تقریرات درس فقه آیت الله حجت (طهارت، بیع)؛
 ۱۴. اصول الفقه؛
 ۱۵. رساله های متعدد فقهی.
- آن فقیه بزرگ، در ۹۶ سالگی، در روز دوشنبه ۱۴ دی ماه ۱۳۸۸ ش (۱۸ محرم الحرام ۱۴۳۱ ق)، در گلپایگان بدرود زندگی گفت. با اعلام خبر وفاتش، در استان اصفهان سه روز عزای عمومی و در گلپایگان یک روز (سه شنبه) تعطیل عمومی اعلام شد و پیکر پاکش در آن روز با شرکت ده ها هزار نفر از علما و مردم استان اصفهان تشییع و پس از نماز برادر بزرگوارش آیت الله العظمی صافی گلپایگانی بر آن، در قبرستان قاضی زاهد (گلپایگان) به خاک سپرده شد و در فقدانش از سوی مراجع معظم تقلید، مقام معظم رهبری و مسئولان عالی رتبه نظام، پیام های تسلیت متعدد صادر شد و مجالس بزرگداشت مقام علمی و عملی اش تا مدت ها ادامه یافت.

*

حجت الاسلام ممیز



حضرت مستطاب حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ غدیرعلی ممیز، یکی از علمای نامی شهرضا و از مفاخر روحانیت

در عصر حاضر به شمار می رفت.

فقید سعید، در عید سعید غدیر خم هیجدهم ذی الحجة الحرام ۱۳۴۹ ق، در شهرضا به دنیا آمد. پدرش مرحوم حاج حیدر، بسیار مؤمن و متدین و پایبند نوافل و ادعیه و زیارات و مستحبات بود. او درباره پدرش می فرمود: «پدرم، چهل سال هنگام سحر بیدار بود و فجر جری طالع نشد که چشمان او در خواب بوده باشد؛ و من نیز چنین بودم».

وی پس از دوران نوجوانی، به تحصیل علوم دینی روی آورد و مقدمات را از مرحوم حاج میرزا نصرالله زارغان و سطوح را در تهران در مدرسه شیخ عبدالحسین، از آیت الله حاج سیدمهدی کماری آموخت و در آن شهر رفیق و همدم و مونس مرحوم شیخ رجبعلی خیاط بود. سپس به مشهد مقدس مهاجرت کرد و ادبیات را از استاد حجت هاشمی فراگرفت و پس از آن از آیت الله حاج شیخ هاشم قزوینی و حاج سیدجلال مدرس یزدی تکمیل سطوح (شرح لمعه) و از آیت الله سیدمحمدحسن میرجهانی هم هیأت و تفسیر را آموخت. آن گاه به نجف اشرف مهاجرت نمود و از درس حضرات آیات: توحیدی تبریزی، کوکبی و شیخ صدرا بادکوبه ای، سطوح عالی و شرح منظومه را بهره مند شد و پس از آن به درس خارج آیات عظام: حکیم، خویی، میرزا باقر زنجانی و سیدعبدالاعلی سبزواری حاضر شد و بهره های فراوان برد و تقریرات دروس فقه و اصول آنان را نگاشت. وی، در سال ۱۳۴۴ ش پس از اخذ اجازات متعدد از استادانش، به زادگاهش بازگشت و به خدمات بزرگ علمی، دینی و اجتماعی پرداخت که از آن جمله عبارتند از:

۱. تجدید ساختمان حسینیه سادات (سال ۱۳۴۶)؛
 ۲. بنیاد حسینیه باغ ملی (سال ۱۳۴۷)؛
 ۳. بنیاد مسجد صدری (سال ۱۳۴۸)؛
 ۴. تأسیس مسجد امام حسین (ع) (سال ۱۳۵۵)؛
 ۵. تأسیس سقاخانه حضرت ابوالفضل - که در فصل تابستان به اهدای یخ به مسافران و رانندگان مسیر اصفهان و فارس می پردازد؛
 ۶. تأسیس مجتمع علمی «مدینه العلم صاحب الزمان» علیه السلام که شامل مسجد، مدرسه و کتابخانه است؛
 ۷. تأسیس مسجد، مدرسه علمیه و کتابخانه صاحب الزمان (قبل از بنیاد مدینه العلم).
- او در این مجتمع عظیم - که همه آن با هدایا و تبرعات مردمی و بدون صرف وجوهات شرعیه بنیاد گردید - به تربیت و پرورش نسلی مؤمن و متدین و فاضلان سختکوش که هم اکنون بسیاری از آنان از استادان و فضلاء حوزه علمیه قم و مسئولان نظام هستند، همت گماشت و بذرایمان و تعهد و علم و دانش را در شهرضا پراکند. وی در این سال ها، به اقامه جماعت (در مسجد صاحب الزمان)، تفسیر قرآن، تدریس (فقه بر پایه تبصرة المتعلمین)، مدیریت حوزه علمیه، اعزام مبلغین به اطراف و اکناف شهر، بنیاد بناهای خیریه و عام المنفعه پرداخت و زندگی ساده و زاهدانه اش دل ها را به خود متوجه ساخت. او با اینکه وجوهات شرعیه به سویش روانه بود، اما از آنها نه تنها برای گذران زندگی اش - که معاش خویش را از راه منبر می گذرانید - که حتی برای مساجد و حسینیه ها هم استفاده نکرد و تنها برای اداره حوزه علمیه و دستگیری

از محرومان و نیازمندان، هزینه نمود.
از آثار اوست:

۱. تقریرات درس آیت الله خویی؛
 ۲. تقریرات درس آیت الله میرزا باقر زنجانى؛
 ۳. زناشویی در اسلام؛
 ۴. اصول اعتقادات؛
 ۵. سیمای امیرالمؤمنین علیه السلام در قرآن (ر. ک به: گنجینه دانشمندان، ج ۸، ص ۲۶۳-۲۶۴).
- وی در دوران مبارزات مردم مسلمان ایران علیه رژیم ستمشاهی، همراه و همگام با ایشان شرکت و حضور فعال داشت و مدت ها ممنوع المنبر گردید و تحت شکنجه های شدید قرار گرفت که عوارض آن تا پایان عمر شریفش باقی بود. وی، پس از عمری هشتاد ساله، در روز شنبه ۷ آذر ۱۳۸۸ ش (عید قربان- ۱۰ ذی الحجة الحرام ۱۴۳۰ ق) بدرود حیات گفت و پیکر پاکش پس از تشییع باشکوه و نماز آیت الله حاج سید مهدی امامی بر آن، در قبرستان عمومی شهر به خاک سپرده شد.

*

حجت الاسلام دکتر گلزاده غفوری



دانشمند فرزانه و محقق گرانقدر، استاد مرحوم حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی گلزاده غفوری، یکی از حقوقدانان و محققان برجسته اقتصاد

اسلامی بود.

فقید سعید در سال ۱۳۴۲ ق (۱۳۰۲ ش) در قسزین زاده شد و پس از تحصیلات متوسطه، به فراگیری علوم دینی روی آورد و به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و سطوح عالی را از استادان وقت آموخت و پس از آن به درس آیات عظام: آقای بروجردی و امام خمینی حاضر شد و بهره های فراوان برد؛ سپس چندسال در «کیلان» - دماوند - اقامت گزید و به خدمات دینی و اجتماعی پرداخت و پس از آن به تهران آمد و به تحصیل رشته حقوق در دانشگاه تهران پرداخت و به اخذ لیسانس حقوق قضایی موفق شد و برای اخذ درجه دکتراراهی فرانسه شد و از دانشگاه «سوربن» پاریس، دکترای حقوق دریافت نمود. سپس به تهران باز آمد و به تدریس و تألیف و سخنرانی در محافل علمی و دانشجویی پرداخت. وی، به دلیل آشنایی اش با مسائل روز و قوانین حقوقی اسلام و غرب، از بهترین سخنرانانی بود که در محافل دانشجویی حضور می یافت و به طرح مسائل دینی از نگاهی نو می پرداخت و از جمله کسانی بود که در بازنمایی نقش اجتماعی اسلام، سهم به سزایی داشت و سال ها به تحقیق در مسائل حقوقی و اقتصادی اسلام پرداخت و آثار بسیاری را به سامان رسانید.

او از نخستین کسانی بود که مقوله حقوق بشر را به جامعه مذهبی ایرانی معرفی کرد و کتاب اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر او در آن سال ها خوش درخشید و ده ها بار تجدید چاپ شد. او در این کتاب نشان داد که قرن ها پیش از تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر، دستورات اسلام، حقوق انسان را تضمین

کرده و شخصیت بشرگرایی داشته است.

وی در مدارس جامعه تعلیمات اسلامی - که مؤسس آن فقید علم و فرهنگ دینی مرحوم حاج شیخ عباسعلی اسلامی بود - به کار تدریس و تدوین کتب درسی و پرورش جوانان مؤمن و متدین پرداخت و سپس با همیاری و همکاری حضرات آقایان: شهید دکتر بهشتی و شهید باهنر و مرحوم سیدرضا برقی، به تألیف کتاب های «تعلیمات دینی» دوره راهنمایی و دبیرستان پرداخت که نقش مهمی در آشنایی جوانان با مبانی دین داشت.

در همان سال ها نیز «دفتر نشر فرهنگ اسلامی» را که یکی از ناشران موفق کشور در حوزه دین است، با همکاری شهیدان فوق، بنیاد نهاد و صدها کتاب در عرصه اسلام، منتشر نمود.

استاد محمد جواد حجتی کرمانی درباره او می نویسد:

«گلزاده غفوری، از نویسندگان متعهد و دلسوخته ای بود که به مسائل فکری نسل جوان - حوزوی و دانشگاهی - عنایت داشت و سعی می کرد مشکلات فکری آنان را با نوشته های خود تا حد توان حل کند. او که برآمده از حوزه و دانشگاه بود، از لحاظ وجه علمی مقبولیت داشت و این تنها امتیاز او نبود، بلکه از نظر اخلاقی، افتادگی و تواضع، نرمخویی و بی ادعایی و دلسوختگی، احساس وظیفه و نیز دردمندی شدید در برابر تبعیضات ناروا و تعلق خاطر وافر او به دردمندان و بیچارگان و حتی پوشش بسیار معمولی لباس و نیز آرامش و صداقت و مهربانی او در گفتار، چه در هنگام سخنرانی و چه در برخوردهای عادی، به واقع او را محبوب خاص و عام کرده بود.»

وی، پیش از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از عالمان مبارز بود که با منبرهای روشنگرانه خویش، به انتقاد از رژیم شاه می پرداخت که ممنوع المنبر شد، ولی همچنان در عرصه سیاسی فعال بود و پس از پیروزی انقلاب اسلامی به نمایندگی مجلس خبرگان قانون اساسی و مجلس شورای اسلامی (از تهران) انتخاب شد و در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی سهمی فراوان داشت. به گفته استاد حاجتی کرمانی: «هیچ از یادم نمی رود که به هنگام تدوین اصول قانون اساسی، از همان آغاز در فکر «حقوق مردم» بود و خوب به خاطر دارم که اصل سوم قانون اساسی که مبین «حقوق عمومی» است، با اصرار و ابتکار او تدوین شد و به نظرم چند بند این اصل - یا همه آنها - به قلم مرحوم استاد غفوری نگارش یافت و به تصویب رسید».

او پس از پایان دوره اول مجلس شورای اسلامی، برای همیشه از صحنه سیاسی کنار رفت و در راه روی خود بست و تا پایان عمر، جز چند مورد مصاحبه و اظهار نظر، فعالیت از ایشان دیده نشد.

برخی از کتاب های وی عبارتند از:

۱. شناخت اسلام (با همکاری شهیدان: بهشتی و باهنر)؛
۲. تعلیمات دینی (با همکاری شهیدان: بهشتی و باهنر)؛
۳. بیابید اینگونه باشیم؛
۴. برنامه ایمان آورده ها (۵ جلد)؛
۵. با دستورات اسلام آشنا شوید؛
۶. اسلام و اعلامیه حقوق بشر؛
۷. نظامات اجتماعی در اسلام؛
۸. خطوط اساسی اقتصاد در اسلام؛
۹. شیعه و نبوت یا تحرك نبوت در امامت شیعه؛

۱۰. روحانیت و زندگی؛

۱۱. کوثر قرآن؛

۱۲. ده گفتار امام حسین، پیام رسان

عاشورا؛

۱۳. تحلیلی از زمان امام موسی

کاظم (ع)؛

۱۴. سرگذشت و شهادت هشتمین

امام شیعیان امام رضا (ع)؛

۱۵. راه و رسم زندگی از نظر امام

سجاد علیه السلام (عربی - فارسی -

انگلیسی)؛

۱۶. یادداشت هایی درباره نیهیلیسم

(نه گرایی و پوچ گرایی)؛

۱۷. به گفتار آنان بیندیشیم؛

۱۸. انفال یا ثروت های عمومی.

سرانجام آن عالم فرزانه، مسئول و

متعهد، در ۸۶ سالگی، در ظهر روز

جمعه ۱۱ دی ماه ۱۳۸۸ (۱۵ محرم

الحرام ۱۴۳۱ ق) بدرود زندگی گفت و

پیکر پاکش صبح ۱۲ دی در قبرستان

«بهشت زهرا» آرام گرفت.

ناصرالدین انصاری قمی

*

صغری واعظی نژاد

روانشاد سرکار خانم واعظی نژاد

از بانوان فرهیخته این روزگاران

بودند که در سنین کم آثار

شایسته ای بر جای نهادند و از

جمله در صفحات مجله آینه

پژوهش، این سطور قدردانی

بانیان مجله است در قالب یادمانی

برای آن مرحوم رحمة الله علیها.

آینه پژوهش

از افتخارات ایران و اسلام، تاریخی پر از

شخصیت های فرهیخته است که در

رشته های مختلف خشتی بر بنای دانش و

فرهنگ افزودند. کسانی که به رغم، سن

و سال اندک یا امکانات کم، آثار علمی

فراوان بر جای نهادند و عمر خود بر سر

پرکاری و تلاش های طاقت فرسا

گذاشتند. صغرا واعظی نژاد یکی از این

افراد بود. البته او به نام های مستعار مثل

سمیرا صادقی، زهرا صادقی، زهرا

واعظی نژاد و ریحانه ریاعی می نوشت و

مقالات و کتب او به این نام هاست. او در

شهر مقدس قم در خانواده ای متوسط در

سال ۱۳۵۵ متولد شد، پدرش در کسوت

روحانیت همواره به تبلیغ شیعه مشغول

بود تا اینکه در اواخر میانسالی جهان فانی

را وداع گفت و خانم واعظی را در

نخستین سالهای جوانی اش داغدار نمود.

با این حال از پدر درس دینداری و

معنویت را فرا گرفته بود. مادرش نیز که

در خانواده ای مذهبی رشد یافته بود، در

رشد اخلاقیات او مؤثر بود.

وی پس از دبیرستان، در رشته

مترجمی زبان انگلیسی لیسانس گرفت

ولی به جهت علاقه اش به کتاب و فرهنگ

مکتوب اسلامی، در مقطع کارشناسی

ارشد، تغییر رشته داد و رشته کتابداری

دانشگاه علامه طباطبایی را با موفقیت به

پایان رساند. موضوع پایان نامه اش،

تحلیل استنادی آثار علمی امام

خمینی (ره) است. این موضوع بدیع

است؛ تاکنون کسی از این زاویه کتاب ها

و رساتل امام خمینی را بررسی نکرده

است. از این رو برای تکمیل طرح نامه و

تصویب آن بسیار زحمت کشید. چاپ

این طرح نامه گویای وسعت دانش و

همت والای او در این عرصه است. در

ترم آخر مشغول نگارش پایان نامه اش بود

که در سن ۳۳ سالگی جهان فانی را بر اثر

سکته قلبی وداع گفت.

وی همواره به فکر کسب فضائل اخلاقی بود و به حداقل مادیات اکتفا می کرد. قناعت داشت و یکسر مشغول مطالعه و نوشتن بود.

پشتکار عجیبی داشت، به طوری که با استفاده حداکثری از زمان و فرصت ها، تقریباً همه وقتش را به پژوهش می گذاشت و بدین سبب است که کارنامه بلند و پر حجمی از او برجای مانده است.

آثار علمی و فعالیت های فرهنگی

۱. حقوق بین الملل؛ نوشته ماریان گرین؛ ترجمه صغرا واعظی نژاد و محبوبه مرشدیان، زیر نظر سیداکبر احمدی؛ چاپ اول، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۰.

۲. در سال ۱۳۸۱ به عنوان مترجم در موسسه اطلاع رسانی پارسا مشغول به کار شد. در همین مؤسسه دوره آموزش چکیده نویسی و مآخذشناسی را با موفقیت طی کرد و از سال ۱۳۸۳ تا سال ۱۳۸۴ در بخش اطلاع رسانی مآخذشناسی مشغول کار شد.

۳. از سال ۱۳۸۲ با مؤسسه مرجع نگار همکاری را شروع نمود و تا آخر عمر در خدمت این مؤسسه بود. وی در این مؤسسه مدیر بخش ترجمه مقالات و ویرایش متون لاتین در پروژه دانشنامه بود.

۴. همکاری با همایش های علمی خمینی (مآخذشناسی بخش لاتین).

(ب) همایش بین المللی کرامت انسان (۱۳۸۶)

در این همایش با دو اثر شرکت داشت: - ترجمه مجموعه مقالات انگلیسی،

قم و تهران، همایش کرامت انسان، ۱۳۸۶ (با اسم مستعار سمیرا صادقی).

- مآخذشناسی کرامت انسان، تهران و قم، همایش کرامت انسان، ۱۳۸۶ (ویراستار انگلیسی سمیرا صادقی).

۵. از وی مقالات بسیاری در مجلات علمی کشور به چاپ رسید که از جمله آنها می توان مجلات وقف، میراث جاویدان، اخلاق، کتابهای اسلامی و آینه پژوهش را نام برد. همچنین با بخشی از این مجلات به عنوان مترجم یا ویراستار انگلیسی همکاری داشت.

۶. مشارکت در پروژه های بزرگ مسئولیت و مدیریت برخی از بخش های این پروژه ها بر عهده او بود:

- بخش لاتین مآخذشناسی فقه اسلامی (در ۲۰ جلد در مرحله نهایی سازی است)؛

- بخش ویرایش لاتین مآخذشناسی علوم عقلی (در ۱۰ جلد در سال ۱۳۸۹ منتشر خواهد شد)؛

- دانشنامه روحانیت ۴۰ جلد، مدیریت تکمیل اطلاعات بخش خارج از کشور؛

- دانشنامه نجف اشرف، ۳ جلد، مسئولیت منابع انگلیسی.

وی در گذشته نیز مسئولیت هایی در پروژه های بزرگ به عهده گرفت و به خوبی آنها را به پایان رساند. برای نمونه:

(الف) میراث وقف: راهنما و خلاصه بیش از هشتصد مقاله. این کتاب راهنمای مجله وقف میراث جاویدان است و مرحوم واعظی نژاد، تدوین و ویرایش بخش لاتین آن را بر عهده داشت.

(ب) راهنمای مجله آینه پژوهش؛

(ج) راهنمای مجله کتاب ماه دین.

۷. کتابهای ترجمه شده

کتابهای فراوانی به قلم ایشان ترجمه شده ولی به دلایلی هنوز چاپ نشده یا از ابتدا قصد چاپ عمومی آنها نبوده است. فقط هدف تکثیر چند نسخه محدود بوده است که به برخی از آنها اشاره می شود:

- مرجعیت آیت الله سیستانی و آینده عراق؛ ۳۰۰ ص؛

- جریان های روشنفکری در ایران و نقادی آنها؛ ۴۰۰ ص؛

- مآخذشناسی سیدجمال الدین اسدآبادی؛ ۲۰۰ ص.

او در عمر محدودش، از لحظه لحظه ها استفاده می کرد و دقیقه ای را به بطالت نمی گذراند. امید است خداوند مهربان و رسول الله و ائمه اطهار و فاطمه زهرا (س) پذیرای او در برزخ و آخرت باشند و با گذشت از خطاهای او، جایگاه رفیعی برای او منظور فرمایند. او روزانه با قرآن، نماز، مفاتیح و دعا عجین و مأنوس بود و عشق معصومین (ع) در وجودش تبلور داشت. و امید است همین ها سرمایه اخروی او را مضاعف گرداند.

محمد حسینی

*

نمایه موضوعی سال بیستم

نمایه حاضر شامل نام نویسندگان، عنوان مقالات، شماره مجله و شماره صفحه مقاله است. این نمایه براساس ترتیب سرفصل های مجله و الفبای نام خانوادگی نویسندگان تنظیم شده است.

◀ مقاله

استادی، رضا؛ دوازده نکته درباره فیض کاشانی؛ ش ۱۱۸، ص ۲.
بشری، جواد؛ دیوان سرایندهگان قدیم در دستنویس تازه ای از خلاصه الاشعار؛ ش ۱۲۰، ص ۲.
پزشگی، محمد؛ بررسی مقایسه ای تاریخ نگاری فریدون آدمیت و عبدالهادی حائری؛ ش ۱۱۵، ص ۱۱.
جعفریان، رسول؛ مکاتبات میریوسف علی استرآبادی با قاضی نورالله شوشتری؛ ش ۱۱۶-۱۱۷، ص ۲.
دانیل زادیک؛ مرشدلو، جواد؛ مباحثات دینی شیعیان امامی با

یهودیان؛ ش ۱۱۶-۱۱۷، ص ۲۴.

ذکاوتی قراگزلو، علیرضا؛ آزمایش های وجودی در قرآن؛ ش ۱۱۸، ص ۱۱.

رنجبری حیدرباغی، احمد؛ نگارش های ترکی در الذریعه؛ ش ۱۱۶-۱۱۷، ص ۵۱.

سلطانی، محمدعلی؛ راهکارهایی برای سودمندی نقد کتاب؛ ش ۱۱۵، ص ۲.

علوی مقدم، محمد؛ نکته هایی از بلاغت کوتاه ترین سوره قرآن مجید، ش ۱۱۹، ص ۱۳.

هربرت برگ؛ کریمی نیا، مرتضی؛ ابن عباس در تفاسیر دوره عباسیان؛ ش ۱۱۸، ص ۱۷.

محمدنیا، مرتضی؛ نقش وقف در ایجاد کتابخانه در ایران؛ ش ۱۱۵، ص ۵.

مساح، رضوان؛ «ذوالقرنین ها» و بررسی واژه ذوالقرنین از دیدگاه زبانشناسی تاریخی؛ ش ۱۱۹، ص ۲.

رزوق فرج رزوق؛ علینقیان، حسین؛ استاد نصر هورینی از
تلايه داران عرصه تحقیق کتب میراث اسلامی؛ ش ۱۱۶ -
۱۱۷، ص ۹۷.

رهدار، احمد؛ ملاحظاتی بر کتاب «جریان شناسی فرهنگی بعد
از انقلاب اسلامی ایران»؛ ش ۱۱۵، ص ۳۲.

صفری، رضا؛ نقد و بررسی کتاب «امر به معروف و نهی از
منکر در اندیشه اسلامی»؛ ش ۱۱۶-۱۱۷، ص ۱۰۴.

علی زاده، احمد؛ «شرح بزرگ دیوان ناصر خسرو»؛ ش ۱۱۸،
ص ۶۵.

عموری، محمدحسین؛ «هستی و چیستی در مکتب صدرایی»؛
ش ۱۱۸، ص ۷۸.

غلامعلی، احمد؛ نیم نگاهی به ترجمه نهج البلاغه دکتر
سیدمحمد مهدی جعفری؛ ش ۱۱۶-۱۱۷، ص ۷۶.

فاطمی موحد، سیدحسن؛ «تابغه فقه و حدیث» در آینه نقد و
گزارش؛ ش ۱۱۹، ص ۱۹ و ش ۱۲۰، ص ۶۶.

فریامنش، مسعود؛ شرح شکن زلف؛ ش ۱۱۶-۱۱۷، ص ۶۸.
کوشا، محمدعلی؛ نقد ترجمه آیات در تفسیر «پرتوی از قرآن»؛
ش ۱۱۹، ص ۳۶.

ملکوتی، سیدعلی؛ نگاهی متن محور به سندبادنامه ظهري
سمرقندی؛ ش ۱۱۵، ص ۱۸.

مهدوی راد، محمدعلی؛ گامی نو و شایسته در معجم نگاری
قرآنی؛ ش ۱۱۸، ص ۵۷.

مهدوی راد، محمدعلی؛ تفسیری نو یافته از عبدالقاهر
جرجانی؛ ش ۱۲۰، ص ۳۲.

مردی، عباسعلی؛ تفسیری کلامی از علامه حلی؛ ش ۱۱۸، ص ۷۲.
محمدی مظفر، محمدحسن؛ «کتابساخته ای به نام الدلالة
القرآنیة فی فکر محمدحسین طباطبایی (المیزان نمودجا)»؛
ش ۱۱۹، ص ۸۰.

ناصر، پویا؛ سنت ساختگی تاریخ نگاری ملوک نیمروز؛
ش ۱۱۶-۱۱۷، ص ۱۱۰.

نثاری، احمد؛ کتاب «شمع جمع»؛ ش ۱۱۶-۱۱۷، ص ۱۱۳.
واسعی، سیدعلیرضا؛ شناسایی تفصیلی کتاب «الرسائل
السیاسه» جاحظ؛ ش ۱۱۹، ص ۶۲.

مهریزی، مهدی؛ گزارش تحلیلی از کتب «الفروق بین الرجل
والمرأة»؛ ش ۱۱۶-۱۱۷، ص ۱۶.

یعقوب نژاد، محمدهادی؛ منابع اسلامی، بایستگی ها و
پیچیدگی ها؛ ش ۱۱۶-۱۱۷، ص ۴۷.

◀ نقد و معرفی

اسلامی، سیدحسن؛ «عیار نقد چند است؟»؛ ش ۱۲۰،
ص ۶۰.

اسلامی، سیدحسن؛ آیا قیاس فقهی همان قیاس منطقی است؟؛
ش ۱۱۶-۱۱۷، ص ۵۵.

اسماعیل زاده، یوسف؛ آثار حیاتی گیلانی؛ ش ۱۱۶-۱۱۷،
ص ۸۱.

بیات مختاری، مهدی؛ لغزش ها و کاستی های «دایرة المعارف
تشیع» در گزارش زندگی فضل بن شاذان نیشابوری؛
ش ۱۱۶-۱۱۷، ص ۸۹.

بشری، جواد؛ کتاب و کتاب پژوهی، پابرگ (۵)؛ ش ۱۱۵،
ص ۴۰.

باقریان موحد، سیدرضا؛ معرفی کتاب «جریان شناسی انتقادی
عرفان های نوظهور»؛ ش ۱۱۵، ص ۲۸.

جهانبخش؛ جويا؛ گنجی نویافته یا وهمی بر یافته؟!؛ ش ۱۱۸،
ص ۲۸.

جهانبخش، جويا؛ میراث جابر بن حیان یا مرده ریگ کیمیایی
غالیان؛ ش ۱۲۰، ص ۴۱.

حیدری یساولی، علی؛ «استله یوسفیه»؛ ش ۱۱۹، ص ۵۷.
حسینی، سیدمحمدهادی؛ «ویژگی های نحوی زبان فارسی در
نثر قرن پنجم و ششم» در بوته نقد؛ ش ۱۱۹، ص ۷۶.

خادمیان، محمدرضا؛ نگاهی گذرا بر «الآراء الفقهیة»؛
ش ۱۱۸، ص ۸۳.

خوش نژادیان، صدیقه؛ «دانشنامه امام حسین (ع) خدمتی
سترگ به پیشگاه سید الشهداء (ع)»؛ ش ۱۱۹، ص ۴۵.

خرمیان، جواد؛ جستاری در «منتخب مکاتیب قطب»؛
ش ۱۱۹، ص ۶۸.

◀ معرفی اجمالی

میر محمدی، حمیدرضا؛ دایرة المعارف بزرگ اسلامی جلد ۱۴
و ۱۵؛ ش ۱۱۵، ص ۵۷.

میر محمدی، حمیدرضا؛ تاریخ نقد و هایت: ترجمه کشف
الارتیاب؛ ش ۱۱۵، ص ۶۰.

میر محمدی، حمیدرضا؛ دایرة المعارف بزرگ اسلامی جلد
۱۶؛ ش ۱۱۶-۱۱۷، ص ۱۱۹.

میر محمدی، حمیدرضا؛ سیمای ابوذر؛ ش ۱۲۰، ص ۹۲.

میر محمدی، حمیدرضا؛ مشاهیر مدفون در حرم رضوی:
رجال سیاسی، اجتماعی، نظامی؛ ش ۱۱۹، ص ۸۶.

میر محمدی، حمیدرضا؛ اطلس قرآن مجید؛ ش ۱۱۹، ص ۸۳.
مهدوی راد، محمدعلی؛ الثورة الحسينیه بجزورها و معطیاتها؛
ش ۱۲۰، ص ۸۸.

واعظی نژاد، صغری؛ تصوف (عرفان)؛ ش ۱۱۸، ص ۸۶.

واعظی نژاد، صغری؛ تشیع معنوی مولانا؛ ش ۱۱۵، ص ۷۶.

واعظی نژاد، صغری؛ آموزه های رومی؛ ش ۱۱۵، ص ۷۷.

واعظی نژاد، صغری؛ ساختار کتاب مثنوی معنوی؛ ش ۱۱۵،
ص ۸۰.

واسعی، سیدعلیرضا؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید المعتزلی،
رویه اعتراضیه عن الامام علی (ع)؛ ش ۱۱۹، ص ۸۷.

◀ کتابشناسی موضوعی

احمدی، آصفه؛ طاهره، افتخاری؛ معدلی، هاجر؛ نافلی،
مریم؛ کتابشناسی و نسخه شناسی «الکافی و الهدایه»؛
ش ۱۱۹، ص ۱۰۳ و ش ۱۲۰، ص ۱۰۹.

زادهوش، محمدرضا؛ کتابشناسی حضرت زینب (س)؛
ش ۱۱۵، ص ۹۱.

سعیدی زاده، رسول؛ کتابشناسی توصیفی شروح الکافی؛
ش ۱۱۸، ص ۱۶۰.

عقیفی، حبیب؛ کتابشناسی و نسخه شناسی «جامع البین»؛
ش ۱۱۶-۱۱۷، ص ۱۶۰.

اسلامی، سیدمحسن؛ فرهنگ ادیان جهان؛ ش ۱۱۵، ص ۶۸.
باقری سیانی، مهدی؛ شرح هدایة المسترشدين؛ ش ۱۱۵،
ص ۶۸.

بیگ باباپور، یوسف؛ خزان و بهار (حکایت‌هایی از گشایشهای
پس از سختی)؛ ش ۱۲۰، ص ۹۵.

بیگ باباپور، یوسف؛ نقل مجلس؛ ش ۱۱۸، ص ۸۹.

بیگ باباپور، یوسف؛ اسناد موقوفات اصفهان؛ ش ۱۱۹،
ص ۸۹.

پورطباطبایی، مجید؛ دایرة المعارف قرآن؛ ش ۱۱۸، ص ۹۴.
حصیری، افسانه؛ ققنوس: گزیده نظم و نثر فارسی و کلیات
ادبی؛ ش ۱۲۰، ص ۹۹.

ذکاوئی قراگزلو، علیرضا؛ روم و عرب؛ ش ۱۱۶-۱۱۷،
ص ۱۱۷.

زادهوش، محمدرضا؛ الدلیل؛ ش ۱۱۵، ص ۶۳.

زادهوش، محمدرضا؛ وقف در آینه آثار: کارنامه منابع پیرامون
وقف؛ ش ۱۱۵، ص ۶۵.

زادهوش، محمدرضا؛ میر حکمت، در بیان احوال آثار و آرای
حکیم ابوالقاسم فندرسکی؛ ش ۱۱۵، ص ۶۱.

زادهوش، محمدرضا؛ الزمن الجمیل، تاریخ تحلیلی
پیدایش فن تلاوت در مصر؛ ش ۱۱۶-۱۱۷، ص ۱۲۱.

زادهوش، محمدرضا؛ لمعات فی شرح دعاء سمات؛ ش ۱۱۶-
۱۱۷، ص ۱۲۳.

زادهوش، محمدرضا؛ شرح دعای ندبه: منتخب النخبه فی
شرح دعاء الندبه؛ ش ۱۱۶-۱۱۷، ص ۱۲۵.

زادهوش، محمدرضا؛ تاریخ شهر خوراسکان و روستای
اران؛ ش ۱۱۸، ص ۹۰.

زادهوش، محمدرضا؛ جغرافیای اصفهان؛ ش ۱۱۸، ص ۹۴.
صادقی، محسن؛ نسخه های خطی؛ ش ۱۱۵، ص ۷۱.

مرادی، ارحام؛ غزلیات شمس تبریز؛ ش ۱۱۵، ص ۵۴.

میر محمدی، حمیدرضا؛ معجم البلدان؛ ش ۱۱۵، ص ۵۵.